

کودکان معمولاً حالت‌ها یا حس‌های «خوب« یا «بد« را بیشتر از ده دقیقه در خود نگه نمی‌دارند. اگر به آنها فرصت داده شود از آن حال بیرون بیایند، بیشتر و بهتر می‌توانیم با آنها گفت‌وگو کنیم. اگر در زمانی که آنها خشمگین و ناراحت هستند بخواهیم با توضیح آنها را قانع کنیم یا آنها را مسوول و مقصر بدانیم، خشم‌شان افزوده شده و لجبازی می‌کنند.

کودک از حدود چهار سالگی معمولاً حس خود را پنهان می‌کند و از سن پنج سالگی، احساس خودش را از خودش متفاوت می‌بیند و به این نتیجه می‌رسد که حالی را که دارد نباید داشته‌باشد. ولی توان دورکردن این حال و احساس را از خود ندارد. این وظیفه والدین است که او را با احساساتش آشنا کنند.

وقتی خوب نشناسد

کودک در چند ماه اول تولد فقط با «حس‌هایش« دنیا را لمس می‌کند و به تدریج تا هفت سالگی علاوه بر حس، با هوش و تخلیص دنیا را درک می‌کند. یعنی کودکی که به جهان محسوس توجه داشت اکنون با هوش خود موضوع‌ها را به میل و خواسته خود دگرگون می‌کند. از سوی دیگر با تخیل، دنیایی را می‌سازد و در صورتی که از این دنیا راضی نباشد، به دنیای درونی خود پناه می‌برد و دچار بیماری‌های عصبی می‌شود. این مساله یعنی نقص در اعتماد به نفس.

حساس‌ها باهوش هستند

آنچه به‌عنوان احساس، عاطفه و هیجان در کودک وجود دارد، نتیجه هوش و تخیل اوست. به این معنا که کودک چیزی را می‌بیند یا می‌شنود و از آن احساس «خوب« یا «بدی« می‌گیرد. به همین دلیل از سن یک تا هفت سالگی کمک به تخیلات و تصورات کودک و رشد هوش او باعث می‌شود با جنبه‌های واقعی جهان آشنا و با حالت‌های درونی خود ارتباط برقرار کند.

اگر روند رشد احساسی کودک درست باشد، بعد از هفت سالگی به «حس«، «هوش« و «تخیل« او به تدریج، «تفکر«، «تعقل« و «اندیشه« نیز افزوده خواهد شد. در غیر این صورت کودک دنیای خود را صرفاً با همان ابزارهای ابتدایی یعنی صرفاً «هیجان«، «احساس« و «تخیل« خواهد سنجید. اگر تا هفت سالگی کودک، دوران خوبی باشد قدرت «تعقل« او شروع به فعالیت و پرورش خواهد کرد. در غیر این صورت کودک دچار مشکلاتی در راستای درک «واقعیت« خواهد شد.

اگر فقط به کنترل کودک فکر کنید...

اگر والدین، کودک را در راستای فهم و درک درست از اتفاق‌های محیط اطراف یاری نکنند و به جای کنترل محیط، کودک را کنترل کنند؛ کودک از این مرحله حساس عبور نخواهد کرد. در این صورت:

در بزرگسالی او با هر احساس بد و منفی درونی مقاومت می‌کند. با انکار واقعیت به دنیای بیرون اعتنا نکرده و مقابله می‌کند. با مشغول کردن خود به «کار« یا «فعالیت‌های فراوان« از مکانیسم‌های «دفاعی« ناکارآمد استفاده می‌کند و از دنیای اطراف کناره می‌گیرد.

منبع: همشهری تندرستی